

بررسی تقابلی فرآیند انتقال و بومی سازی در ترجمه‌های صحیفه سجادیه (انصاریان، آیتی، بلاغی، فولادوند و فیض الاسلام) بر اساس الگوی نیومارک

مریم بخشی*

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ایران.

چکیده

صحیفه سجادیه از برجسته‌ترین و ارزشمندترین کتب دعایی است که آثار روحی و روانی و تربیتی بالایی بر خوانندگانش دارد. اهمیت و جایگاه این کتاب ارزشمند، لزوم توجه به ترجمه صحیح آن و نقد ترجمه‌های انجام شده را ایجاب می‌کند تا بهترین ترجمه‌ها شناسایی و به خوانندگان معرفی شود که بتوانند به راحتی مفاهیم والای آن را درک نمایند. از این رو در پژوهش حاضر، بررسی ترجمه این کتاب بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر نظریه نیومارک، در دو مؤلفه انتقال و بومی‌سازی انجام شده است. نتایج پژوهش، نشان‌گر این است که آیتی و بلاغی، بیش‌ترین میزان انتقال و فیض الاسلام، کم‌ترین استفاده را از فرآیند انتقال داشته است. بیش‌ترین فرآیند بومی‌سازی در ترجمه بلاغی و کم‌ترین در ترجمه فیض الاسلام مشاهده می‌شود. مقایسه این دو بررسی هم نشان‌گر آن است که آیتی و بلاغی بیش‌ترین میزان انتقال و بومی‌سازی را به کار برده‌اند و فیض الاسلام کم‌ترین میزان انتقال و بومی‌سازی و از این جهت ترجمه فیض الاسلام، ترجمه‌ای شایسته است. انواع راهبردهای بومی‌سازی که مترجمان در ترجمه صحیفه سجادیه به کار بستند عبارتند از: ۱. تبدیل تاء گرد به تاء میسوط. ۲. افزودن علامت جمع فارسی به واژه عربی. ۳. استفاده از دیگر مشتقات واژه عربی. ۴. جابجا کردن موصوف و صفت. ۵. افزودن پسوند فارسی به واژه عربی. ۶. تبدیل شکل جمع واژه به مفرد. ۷. استفاده از شکل دیگر جمع واژه. ۸. حذف نشانه‌های عربی از واژه. ۹. تبدیل «تای گرد» به «ه» فارسی و ۱۰. ساخت فعل ترکیبی فارسی با استفاده از ریشه فعل عربی. کلیدواژه‌ها: صحیفه سجادیه، نقد ترجمه، الگوی نیومارک، انتقال، بومی‌سازی.

۱- مقدمه

نیومارک (۱۹۸۱) روش‌های متعددی را برای ترجمه عناصر فرهنگی پیشنهاد داده که در اینجا به طور خلاصه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- انتقال (وام‌گیری): به معنی آوردن کلمه‌ای از زبان مبدأ به متن زبان مقصد است (استفاده مستقیم از واژه زبان مبدأ) (نیومارک، ۲۰۰۶: ۱۲۷).

۲- بومی کردن: این فرآیند بر فرآیند «انتقال» غلبه می‌کند و واژه زبان مبدأ را ابتدا با تلفظ طبیعی و آنگاه با ریخت طبیعی زبان مقصد مطابقت می‌دهد (همان: ۱۲۹).

۳- معادل فرهنگی: ترجمه واژه فرهنگی از زبان مبدأ به واژه فرهنگی در زبان مقصد (همان: ۱۳۰).

۴- معادل کارکردی: برای واژه‌های فرهنگی به کار می‌رود که مستلزم کاربست یک واژه مستقل از فرهنگ است که گاه با یک واژه جدید خاص همراه می‌شود.

۵- معادل توصیفی: ترجمه باید گاهی توصیف را بر کارکرد ترجیح دهد (همان: ۱۳۱).

۶- مترادف: استفاده از واژه مترادف در جایی که معادل دقیقی وجود ندارد، اما استفاده بی‌جا و غیرضروری از مترادف‌ها، مشخصه بسیاری از ترجمه‌های ضعیف است (همان: ۱۳۲).

۷- گرت‌برداری: گرت‌برداری پدیده زبانی میان ابداع و وام‌گیری است. مسأله‌ای که بر اساس ویژگی‌های زبان‌شناختی زبان مبدأ شکل می‌یابد و به تدریج در میان گویش‌وران زبان مقصد مرسوم می‌گردد. به عبارت دیگر، گاه اجزای یک ترکیب، جدا جدا از اجزای ترکیب خارجی ترجمه شده و در کنار هم قرار می‌گیرند که با ساختار زبان مقصد متفاوت است. مانند «مغزشویی» که عیناً ترجمه brain washing انگلیسی است (نجفی، ۱۳۹۱: ۱۰).

۸- تغییرات یا جایگزینی‌ها: ترجمه همراه با تغییر دستوری.

۹- دگرگون‌سازی (وارونه‌ش): تغییر در مقوله ذهنی؛ فرایندهای دگرگون‌سازی، علت به جای نتیجه، جزء به جای کل، تغییر نمادها و معلوم به جای مجهول.

بررسی تقابلی فرآیند انتقال و بومی سازی در ترجمه‌های صحیفه... بر اساس الگوی نیومارک - مریم بخشی

۱۰- ترجمه مقبول: معمولاً باید برای واژه سازمانی از ترجمه رسمی یا ترجمه‌ای که مقبولیت عام دارد، استفاده کرد و اگر مناسب نباشد، مترجم به طور غیرمستقیم، عدم موافقت خود را با ترجمه رسمی که از آن صورت گرفته، نشان می‌دهد.

۱۱- ترجمه موقت: این فرآیند یک ترجمه موقت است که معمولاً از یک واژه سازمانی جدید صورت می‌گیرد و باید آن را داخل گیومه قرار داد تا در فرصت‌های بعدی عوض شود. مترجم در این شرایط به ترجمه تحت‌اللفظی روی می‌آورد.

۱۲- جبران: این فرآیند هنگامی صورت می‌گیرد که نارسایی معنایی یا نقص در جلوه‌های آوایی و استعاره‌ها و تأثیر کاربردی بخشی از جمله در قسمتی دیگر از همان جمله یا در جمله مجاور آن جبران شود.

۱۳- کاهش و بسط.

۱۴- دیگر نوشت: عبارت است از شرح و بسط یا توضیح بخشی از متن. این فرآیند در متون بی‌نامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که ضعیف و نارسا نوشته شده باشند یا معنای تلویحی داشته باشند و نکات مهمی حذف شده باشد.

۱۵- فرآیندهای تلفیقی: فرآیندهای دوگانه، سه‌گانه و چهارگانه را برای حل یک مشکل واحد با هم تلفیق می‌کنند. به عبارت دیگر، مترجم از چند روش به صورت همزمان برای انتقال یک عنصر فرهنگی استفاده می‌کند.

۱۶- تحلیل محتوا: این فرآیند شامل تفکیک یک واحد واژگانی به اجزای معنایی آن است.

۱۷- یادداشت‌ها، اضافات، توضیحات: اطلاعات افزوده‌ای که مترجم باید به ترجمه اضافه کند و معمولاً توضیحات فرهنگی هستند (که تفاوت میان فرهنگ زبان مبدأ و مقصد را مشخص می‌کنند) (نیومارک، ۲۰۰۶: ۱۴۸-۱۳۳).

دو مورد اول از راهکارهای پیشنهادی نیومارک: انتقال و بومی سازی، از آن جهت جلب توجه می‌کنند که صرفاً یک راهکار هستند و در مواقع ضروری مورد استفاده قرار می‌گیرند و به

معنای واقعی کلمه، ترجمه نیستند؛ انتقال یا وام‌گیری (Emprunt)، یعنی ورود واژه زبان مبدأ به زبان مقصد، بدون آن‌که هیچ تغییری در آن ایجاد شود. عموماً در مواردی که خلأ فرازبانی وجود دارد - یعنی در زبان مبدأ از مفاهیمی سخن می‌رود که در زبان مقصد، واژه‌ای برای اشاره به آن وجود ندارد استفاده می‌شود. (Vinay Darblent, 1977: 47)، به نقل از اسلامی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶) انتقال، به کارگیری عین کلمه‌ی زبان مبدأ در متن زبان مقصد است. این رویه همانند انتقال منسوب به کتفورد است و به معنی رونوشت کلمه‌ای با الفبای زبان دیگر است ضمن این‌که تغییر حروف الفبایی زبان‌های مختلف را نیز شامل می‌شود. به این کلمه‌ی انتقال‌یافته، «واژه‌ی قرضی» می‌گویند. دلیلی که در جانبداری از فرایند «انتقال» آورده می‌شود آن است که این رویه، احترام به فرهنگ کشور زبان مبدأ را نشان می‌دهد. اما دلیلی که در مخالفت آن وجود دارد آن است که کار مترجم ترجمه کردن، روشن ساختن و باز نمودن مطلب است (نیومارک، ۱۳۸۶: ۱۰۵-۱۰۳). «وظیفه‌ی مترجم آن است که کاری کند که مردم ایده‌ها و مفاهیم را بفهمند نه آن‌که با به کار بردن واژه‌های گنگ، سخنانش را در حاله‌ای از ابهام بیچد» (نیومارک، ۱۳۸۶: ۱۰۵). در بومی سازی نیز، ابتدا واژه با گویش زبان مقصد هماهنگ شده و بعد تغییرات صرفی (ساخت واژه) در آن ایجاد می‌شود (نیومارک، ۲۰۰۶: ۱۲۹).

«باید به این نکته اشاره کرد که ورود یک واژه از زبانی به زبان دیگر به این دلیل است که واژه‌ای با آن مفهوم در زبان مقصد وجود ندارد و یا معادل گویایی برای ترجمه آن ساخته نشده است» (حسینی معصوم و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۴). اما متأسفانه برخی مترجمان، به دلیل عادت به فضای واژگان زبان مبدأ (زبان عربی) و تأثیرپذیری از آن و عدم حساسیت به ورود واژه‌های بیگانه به زبان مقصد (زبان فارسی) و کوتاهی در جست و جوی معادل دقیق واژگان، دست به انتقال آن واژه‌ها به زبان مقصد می‌زنند. «این کلمات در اثر استفاده روزمره و به مرور زمان، دیگر یک واژه خارجی محسوب نمی‌شوند» (همان: ۱۰۵) و نتیجه آن جایگزینی واژه‌ی

بررسی تقابلی فرآیند انتقال و بومی سازی در ترجمه‌های صحیفه... بر اساس الگوی نیومارک - مریم بخشی

خارجی با واژه‌های خودی و فراموشی آنهاست؛ به طوری که برخی از این واژگان چنان در زبان فارسی آمیخته شده‌اند که کمتر کسی می‌تواند برای آنها معادل دقیق فارسی بیاورد. نمونه آشکار دو فرآیند انتقال و بومی سازی در ترجمه کتب دینی از جمله قرآن و حدیث و صحیفه سجادیه دیده می‌شود که بررسی و معادل‌یابی دقیق آنها، مورد غفلت واقع شده است.

در مقاله حاضر، با تکیه بر نظریه نیومارک، فرآیند «انتقال» و «بومی سازی» در ترجمه صحیفه سجادیه توسط پنج تن از مترجمان، آقایان: انصاریان، آیتی، بلاغی، فولادوند و فیض الاسلام مورد بررسی قرار گرفته تا اولاً واژه‌هایی که از طریق انتقال یا بومی سازی وارد زبان فارسی شده‌اند، شناسایی شوند و ثانیاً مترجمانی که بیشترین و کمترین استفاده را از این دو فرآیند داشته‌اند، شناسایی و معرفی شوند. جامعه آماری این بررسی، دعاهای ۳، ۲۰، ۲۷، ۳۱ و ۴۹ است که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند.

۱-۱- ضرورت و هدف پژوهش

صحیفه سجادیه از دیر زمان به عنوان «زبور آل محمد(ص)» و «انجیل اهل بیت(ع)» لقب گرفته است؛ همچنین آن را «أخت القرآن» نیز نامیده‌اند. (ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۱: ۱۲۵) دعاهای این کتاب ارزشمند حاوی مسائل عالی تربیتی در سه قلمرو فرد، خانواده و اجتماع می‌باشد. از این رو ترجمه این کتاب نیز باید بیشتر مورد توجه مترجمان، پژوهشگران و ناقدان ترجمه قرار گیرد؛ ترجمه دقیق صحیفه سجادیه و انتقال معارف عالی آن به زبان فارسی به دلیل جایگاه والای این کتاب در بین مسلمانان از یک طرف و ایجاد محدودیت در انتقال و کاربرد واژه‌های دخیل به زبان فارسی، ضرورت بررسی ترجمه‌های این کتاب ارزشمند را روشن می‌سازد.

۱-۲- پرسش‌های پژوهش

این نوشتار درصدد است از طریق مقایسه و بررسی پنج ترجمه‌ی یادشده، به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱- کدام یک از مترجمان، بیشترین و کدام یک، کمترین استفاده را از فرآیندهای انتقال و بومی‌سازی کرده‌اند؟

۲- مترجمان در بومی‌سازی واژگان، از چه راهکارهایی استفاده کرده‌اند؟

۱-۳- پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در دو قسمت قابل بررسی است؛ پژوهش‌هایی که مربوط به نظریه نیومارک است:

چارچوبی برای ارزیابی ترجمه از عربی به فارسی با تکیه بر آرای نیومارک، روح‌الله طاهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۴ ش. نویسنده، در ابتدا آرای نیومارک را تجمیع، تبویب و تلخیص نموده، سپس با تحلیل اظهارات نیومارک، چارچوبی پیشنهاد داده و آن را بر ترجمه دکتر مهدی محبتی از کتاب *اللمع فی التصوف* تطبیق داده و این ترجمه را از حیث سبک، انسجام و معادل‌یابی - که از نظر نیومارک، مؤلفه‌های استراتژیک هستند - ارزیابی کرده است.

مطالعه تطبیقی کاربرد استراتژی‌های ترجمه نیومارک در ترجمه قرآن. آنایتا امیرشجاعی و مرضیه خلیلی‌زاده گنجعلی خانی. فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۳۳، چاپ بهار ۱۳۹۷ ش. پژوهشگران در مقاله حاضر، به مقایسه سه ترجمه موجود از سه سوره قرآن (اخلاص، ناس، فلق) با ترجمه محمدعلی حبیب‌شاکر، عبدالله یوسف علی و پیکتال به منظور بررسی استراتژی‌های ترجمه بر اساس طبقه‌بندی پیتر نیومارک پرداخته‌اند.

ترجمه عربی مقوله‌های فرهنگی داستان فارسی شکر است از محمدعلی جمال‌زاده بر اساس نظریه نیومارک، محمد رحیمی خویگانی، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ش. نویسنده با استفاده از الگوی پیتر نیومارک در تقسیم‌بندی مقوله‌های فرهنگی و راهکارهای ترجمه آن، چگونگی انتقال عناصر فرهنگی داستان فارسی شکر است را مورد بررسی و نقد قرار داده و به این نتیجه رسیده که تمام پنج

بررسی تقابلی فرآیند انتقال و بومی سازی در ترجمه‌های صحیفه... بر اساس الگوی نیومارک - مریم بخشی

دسته مقوله فرهنگی مورد نظر نیومارک را دارد و مترجم برای ترجمه این داستان، بیشتر از راهکار «معادل فرهنگی» سود جسته است.

بومی سازی مدل پنج‌گانه عناصر فرهنگی نیومارک با زبان و فرهنگ فارسی، نادیا غضنفری مقدم و محمدرضا هاشمی، ارائه تقسیم بندی نه‌گانه، دوره ۴۷، شماره ۲ - شماره پیاپی ۲، صص ۱-۲۱، ۱۳۹۳ش. در این مقاله، چهار داستان کوتاه محاوره‌ای، حاوی مفاهیم فرهنگی، از آثار جلال آل احمد انتخاب شده و بر اساس مدل پیشنهادی نیومارک بررسی شدند. نویسندگان به این نتیجه رسیدند که مدل پیشنهادی نمی‌تواند تمام عناصر فرهنگی فارسی را در برگیرد. به این دلیل، چهار شاخه جدید به الگوی نیومارک اضافه کرده‌اند. پژوهش‌های فوق، بر اساس نظریه نیومارک انجام شده‌اند اما هیچ کدام به نقد و بررسی ترجمه صحیفه سجادیه پرداخته‌اند.

پژوهش‌هایی که در زمینه بررسی ترجمه صحیفه سجادیه صورت گرفته‌اند: بررسی راهبرد «کاهش» در ترجمه فولادوند از صحیفه سجادیه بر اساس نظریه گارسس، مریم بخشی، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، جلد ۷ شماره ۱۴، صفحات ۳۵-۶۱، ۱۳۹۹ش. در این مقاله، عنصر کاهش که زیر مجموعه حذف در نظریه گارسس است، در ترجمه صحیفه سجادیه بررسی شده؛ نویسنده عنصر «کاهش» را که جزء تکنیک‌های منفی ترجمه در الگوی گارسس است، در ترجمه فولادوند از صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که مصادیق کاهش که به این ترجمه آسیب زده‌اند، عبارتند از: ۱- انواع حذف. ۲- قبض یا کاهش (حذف به قرینه لفظی، تغییر مجهول به معلوم، اسمی شدگی، تبدیل جمع به مفرد). ۳- تغییر در صنایع بلاغی. ۴- خطای مترجم (خطاهای معنایی - لغوی و خطاهای صرفی - نحوی) و بیشترین بسامد کاهش مربوط به حذف واژه و خطای دستوری است.

نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجادیه بر اساس نظریه آنتوان برمن

(مطالعه موردی: ترجمه انصاریان). سید محمود میرزایی الحسینی، محمد فرهادی و علی نظری. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ش. در این مقاله، نویسنده عنصر اطناب را بر اساس نظریه آنتوان برمن در ترجمه انصاریان از صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار داده است. نتایج به دست آمده، حاکی از آن است که اطناب‌های موجود در ترجمه انصاریان در پنج مقوله کلی «اطناب احترامی»، «باهم‌آیی»، «مترادف عربی و فارسی» و «مترادف غیرعربی و فارسی» و سایر اطناب‌ها، و توضیح در سه محور «بینامتنی با قرآن»، «ذکر مضاف‌های محذوف» و سایر توضیحات نمود پیدا می‌کند.

همطرازی اسلوب‌های تأکید در ترجمه صحیفه سجادیه (با بهره‌گیری از دعا‌های مناسبت‌ها و با تأکید بر ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، بلاغی، فیض الاسلام، موسوی گرمارودی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اکرم کریمی راد. دانشگاه الزهرا (س)، ۱۳۹۳ ش. در این پایان‌نامه، نویسنده پس از استخراج اسلوب‌های تأکیدی دعاها به این نتیجه رسیده است که تأکیدهای دعاها با ترجمه‌های فارسی هم طراز نیست.

بررسی مقابله‌ای ترجمه‌های صحیفه سجادیه، فیض الاسلام، انصاریان و الهی قمشه‌ای با بهره بردن از شرح ریاض‌السالکین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد امیر هلالی. دانشگاه شهید چمران اهواز. ۱۳۹۱ ش. نویسنده در فصل سوم این پایان‌نامه، به بررسی تطبیقی سه ترجمه یاد شده، بدون تکیه بر نظریه‌ای خاص پرداخته؛ به بیان دیگر، از هیچ نظریه‌ی ترجمه‌ای استفاده نکرده است.

خوانش ترجمه‌های صحیفه سجادیه در پرتو نظریه تعادل زیبایی شناختی ولفگانگ آیزر، سیدمهدی مسبوق؛ مه‌ری قادری بیباک، دعاپژوهی، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ ش. پژوهش حاضر با هدف شناخت تعادل زیبایی شناختی متن اصلی و متن ترجمه و میزان توجه مترجمان به این مقوله چهار فراز از ترجمه آقایان الهی قمشه‌ای، موسوی گرمارودی، انصاریان و آیتی از دعای چهل و هفتم را انتخاب نموده و بر اساس نظریه آیزر، با رویکرد انتقادی عملکرد

بررسی تقابلی فرآیند انتقال و بومی سازی در ترجمه‌های صحیفه... بر اساس الگوی نیومارک - مریم بخشی

مترجمان را مورد سنجش قرار داده است.

نقش استعاره‌های مفهومی در ترجمه صحیفه سجّادیه از منظر زبان‌شناسی شناختی و الگوی لیکاف و جانسون، یسرا شادمان؛ محمدنبی احمدی؛ سحر ملکیان؛ پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی بهار و تابستان، شماره ۲۴، ۱۴۰۰ ش. در این مقاله، به منظور بررسی ارتباط دو سطح استعاره مفهومی (استعاره‌های شباهت و استعاره‌های خاص) با عمل برگردان و میزان توجه مترجمان بدان، نمونه‌هایی از کتاب صحیفه سجّادیه و دو ترجمه مشهور و معاصر آن از موسوی-موسوی گرمارودی و الهی قمشه‌ای بررسی شده و نتایج این تحقیق که بر اساس الگوی جورج لیکاف و مارک جانسون نوشته شده، حاکی از آن است که مترجمان در انتقال معانی متن مبدأ رویکرد متفاوتی داشته‌اند.

هم‌چنان که در پیشینه‌ها ملاحظه می‌شود، پژوهشی که موضوع انتقال و بومی سازی را در ترجمه صحیفه سجّادیه مورد بررسی قرار دهد، دیده نمی‌شود.

۲- بحث و بررسی

در این قسمت، انتقال و بومی سازی که از مؤلفه‌های نظریه نیومارک است، ضمن تبیین ماهیت آن دو، در دعا‌های صحیفه سجّادیه مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد.

۲-۱- انتقال

«انتقال (شامل emprunt، واژه قرضی، رونوشت با الفبای زبان مقصد) مرحله‌ای از ترجمه است که به معنی آوردن کلمه‌ای از زبان مبدأ به متن زبان مقصد است. این رویه همانند انتقال منسوب به کتفورد است و به معنی رونوشت کلمه‌ای با الفبای زبان دیگر است و تغییر حروف الفبایی زبان‌های مختلف را نیز شامل می‌شود. به این ترتیب لغتی در زبان مبدأ به یک «واژه قرضی» در زبان مقصد تبدیل می‌شود» (نیومارک، ۱۳۷۲: ۱۰۳). می‌توان قرض‌گیری را فرایندی دانست که عمدتاً در نتیجه برخورد‌های زبانی و از طریق افراد دوزبانه آغاز، و طی آن عناصری آوایی، واژگانی و حتی نحوی از یک زبان به زبان دیگر وارد می‌شود و به دلیل عوامل

مختلف از سوی اکثریت افراد جامعه زبانی پذیرفته می‌شود و کاربرد می‌یابد (صفوی، ۱۳۷۴: ۹۹).

«وقتی واژه عیناً وارد زبان مقصد می‌شود، اساساً ترجمه‌ای صورت نمی‌گیرد. این روش عمدتاً در مواجهه با واژه و مفاهیم غایب در زبان مقصد اتخاذ می‌شود؛ گاه نیز مترجم قصد دارد با این روش، بیگانه بودن مفهوم یا واژه را در ذهن مخاطب حفظ کند. گاهی انتقال واژه بدون تغییرات صوری و واجی است، و گاهی نیز وام‌گیری با تغییرات واجی همراه می‌شود» (سید جلالی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۸-۲۷).

شایان ذکر است که به‌کارگیری وام‌واژه‌ها، صرفاً به معنای غیاب واژه در زبان وام‌گیرنده نیست، گاه استفاده از واژه قرضی برای کسب هویت یا اعتبار اجتماعی است و گاه به سبب آن‌که کاربرد واژه بومی مطلوب تلقی نمی‌شود و دشوار به شمار می‌آید. در چنین مواقعی از واژه بیگانه استفاده می‌کنند تا کمتر از احساس ناخوشایند خود رنج ببرند» (شقایق، ۱۳۸۷: ۱۳۱).

انتقال واژگان در متون، ممکن است به سه شکل صورت گیرد:

۱. انتقال واژگان بدون معادل در فارسی سره: این واژگان تعداد قابل توجهی از واژگان دخیل عربی را تشکیل می‌دهند؛ مانند مسجد، عبادت، حزب، حج، کافر، افطار و ... جنبه‌های دینی در این باره بسیار اثرگذار بوده‌اند و غالب این واژگان به جنبه‌هایی از دین اسلام، چه در عقاید، چه در احکام و چه در تاریخ آن مربوط می‌شوند که به لحاظ نبود صبغه و سابقه در ایران، عین واژگان با همان معنا و کاربرد از ابتدا وارد زبان فارسی شده‌اند و بسامد آنها نیز در متون و کلام فارسی به حدی است که کاربرد عین آنها حساسیتی ایجاد نکرده و کمتر کسی به دنبال یافتن معادلی از فارسی اصیل برای آنها است (نظری و اسدالله پور عراقی، ۱۳۹۴: ۹۴).

نکته دیگری که به این نوع واژگان دخیل ارتباط دارد، امکان ورود واژگان دخیل جدید از سوی مترجمان متون عربی است. بدین صورت که با توجه به وجود واژگان دخیل فراوان عربی

در فارسی، گاهی مترجمان در برخورد با واژه‌ای عربی که معادل اصطلاحی مناسبی در فارسی ندارد، به راحتی به خود اجازه می‌دهند که بدون نگرانی عین واژه عربی را در ترجمه بیاورند؛ واژه‌ای که چه بسا افرادی که با زبان عربی آشنایی ندارند، نتوانند به معنای آن پی ببرند. نکته دیگری که منجر به تزریق واژگان دخیل از این نوع به فارسی می‌شود، عربی زده بودن ذهن و متن مترجم است که با توجه به حضور وی در فضای فکری و بافتی متن عربی، برخی از واژگان عربی را که برای وی و آشنایان به عربی بدیهی و پیش‌پا افتاده تلقی می‌شود، در متن ترجمه می‌گنجاند.

در نتیجه، چالش پیش روی مترجم در باب واژگان دخیلی که عیناً در فارسی استفاده می‌شوند، توجه و آگاهی به این نکته است که واژه دخیل ممکن است در عربی نیز با همان معنا و بدون معانی بافتی دیگر کاربرد داشته باشد، ولی این امکان نیز هست که صرفاً واژه در ارتباط با یکی از معانی قاموسی یا بافتی خود به فارسی راه یافته باشد. ضمناً باید به میزان کاربرد و آگاهی عموم مخاطبان نسبت به معنا و کاربرد واژه نیز توجه داشت (همان: ۹۵).

۲. واژگان دخیل هم‌معنا در فارسی و عربی با وجود معادل در فارسی سره: این دسته از واژگان دخیل، واژگان عربی هستند که به مرور زمان، در طول قرون متمادی و به انحای مختلف وارد زبان فارسی شده است و معنا و کاربرد یکسانی در هر دو زبان دارند، با این تفاوت که در زبان فارسی سره نیز معادل برای آن وجود دارد و به صورت مترادف با واژه عربی در زبان معیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. مانند «قلب: دل» و «صبر: شکیبایی» (همان: ۹۷).

۳. واژگان دخیل با معنای متحول: این واژگان در زبان فارسی وارد و دچار تحول معنایی شده‌اند، لذا واژه دخیل صرفاً صورت نوشتاری یا آوایی یکسانی با اصل خود در زبان عربی دارد و به هیچ وجه معنا و کاربرد یکسانی ندارند. این دسته از واژگان بیش‌ترین چالش را برای مترجمان از هر دو زبان ایجاد می‌کند و آگاهی نداشتن به کاربرد متفاوت واژه در دو زبان، خطایی نابخشدنی است. مانند واژه «مخابرات» که معنای فارسی آن «اداره مخابرات» و

معنای عربی آن «اداره اطلاعات» است (همان: ۱۱۲).

در زیر به نمونه‌هایی از فرآیند انتقال پرداخته می‌شود:

۱. فَصَلَّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرَّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ (دعای ۳).

- بر ایشان درود بفرست و بر ملائکه رحمت خویش (آیتی، ۱۳۷۵: ۴۰).

- نیز درود فرست بر روحانیون از فرشتگان (انصاریان، ۱۳۸۷: ۳۲).

- پس رحمت فرست بر ایشان و رحمت گستران از فرشتگان (بلاغی، ۱۳۸۰: ۴۰).

- پس درود باد بر آنان و آن گروه «ارواح مجرد» از فرشتگان (فولادوند، ۱۳۷۹: ۴۰).

- پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیین از فرشتگان (: از فرشتگان رحمت) (فیض

الاسلام، ۱۳۷۶: ۵۲).

الرَّوْحُ، فراخی، گشایش، راحت و آسودگی، مهربانی، بخشش، بادِ نرم و ملایم، نسیم، شادمانی.

الرَّوْحُ، جان، روان، وحی، فرمان خدا، قرآن کلام خداوند، وَعَلَى الرَّوحَانِيِّينَ «به فتح راء»، به معنای نسیم و فراخی. فرشتگانی که به فرمان خداوند نسیم رحمت و گشایش را می‌وزانند و مهر و بخشایش خدا را می‌آورند. فرشتگانی که بشارت آورند و حاملان رحمت (خلجی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۰۶). از بین مترجمان، آیتی و بلاغی دست به ترجمه واژه زده و بقیه مترجمان، از راهکار انتقال استفاده کرده و عین واژه را (گاهی با توضیح) منتقل کرده‌اند. استفاده از فرآیند انتقال در اینجا، ضمن این که باعث انتقال واژگان زبان مبدأ به مقصد می‌شود، به دلیل غیرقابل فهم بودن معنای واژه، سبب سردرگمی مخاطب می‌شود. شایان ذکر است که فولادوند در معادل‌یابی، خطا رفته و معادل صحیحی را انتخاب نکرده است.

معادل «فرشتگان مهربانی و بخشش» برای واژه مورد بحث، پیشنهاد می‌شود.

۲. قَدْ قُلْتَ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ (دعای ۳۱).

- در کتاب محکمت گفته‌ای (آیتی، ۱۳۷۵: ۱۹۸).

بررسی تقابلی فرآیند انتقال و بومی سازی در ترجمه‌های صحیفه... بر اساس الگوی نیومارک - مریم بخشی

- در کتاب محکمت فرمودی (انصاریان، ۱۳۸۷: ۱۶۸).
- در کتاب محکم و استوارت فرمودی (بلاغی، ۱۳۸۰: ۱۷۴).
- در محکم کتابت فرموده‌ای (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۷۶).
- در کتاب محکم و استوار خود (قرآن مجید که باطل و نادرستی در آن راه ندارد) فرموده‌ای (فیض الاسلام: ۱۳۷۶: ۲۰۸).

در این مورد، همه مترجمان در ترجمه‌ی واژه‌ی «محکم»، از انتقال استفاده کرده‌اند (البته بلاغی و فولادوند از مترادف واژه هم بهره جستند). بر اساس شرح صحیفه، ترکیب «محکم کتابک»، هم می‌تواند بنا بر آیه «کِتَابٌ أَحْكَمْتُ آيَاتِهِ» (هود/ ۱) اضافه‌ی صفت به موصوف و معادل «کتابک المحکم» باشد و هم می‌تواند بنا بر آیه «مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ ... وَأُخْرُ مُشَابِهَاتٌ» (آل عمران/ ۷)، اضافه‌ی نوع به جنس باشد (کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۲۴۶). در صورت صحّت احتمال اول، می‌توان آن را «استوار» نیز ترجمه کرد؛ ولی در صورت صحت احتمال دوم حتماً باید از شیوه‌ی انتقال کمک گرفت. مانند عبارت مشابه آن در نامه ۵۳ نهج البلاغه (الأخذ بمحکم کتابه)، که خود همین مترجمان آن را «آیات محکم خداوند» (انصاریان) و «محکم از کتاب او» (آنچه در معنی آن اشتباه و تردیدی نیست) (فیض الاسلام) ترجمه کرده‌اند و مترجمان دیگر نیز عبارات «محکم کتاب خدا» و «محکمت کتاب خداوند» را به کار برده‌اند.

۳. عَلَيَّ تَبِعَاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ (دعای ۳۱).

- بر ذمه من تبعاتی است که در حفظ دارم (آیتی، ۱۳۷۵: ۱۹۸).
- بر ذمه من وبال‌هایی است که به یاد دارم (انصاریان، ۱۳۸۷: ۱۶۸).
- حق و حقوق قابل مطالبه‌ای از مردم به عهده من است که آنها را به یاد دارم (بلاغی، ۱۳۸۰: ۱۷۵).

- پی آمدهایی بر گردن من است که به یاد دارم (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۰).

- مرا گرفتاری‌هایی است که آنها را یاد دارم (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۲۰۹).
در این نمونه تنها آیتی از فرایند انتقال استفاده کرده و جمله را نیز کاملاً تحت اللفظی ترجمه کرده است که ترجمه‌ی شیوا و گویایی در زبان فارسی نیست. و بقیه چهار مترجم، هر کدام، برای واژه مورد نظر، معادل انتخاب کرده‌اند. این نکته نشان می‌دهد که در اکثر مواقع می‌توان به جای استفاده از فرآیند انتقال، از معادل آن واژه استفاده کرد.

۴. فَأَجْرُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ وَزُنًا بوزنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلِ (دعای ۲۷).

به او نیز اجر همان رزمنده و مرزدار را، وزن به وزن و مثل به مثل عنایت فرما (انصاریان، ۱۳۸۷: ۱۶۵).

او را پاداشی ده هم چند پاداش آن جنگجو، به همان مقدار و همان گونه (آیتی، ۱۳۷۵: ۲۰۳).
پس او را سنگ به سنگ و مثل به مثل، برابر اجر آن مجاهد، اجر ده (بلاغی، ۱۳۸۰: ۱۸۰).
پس عیناً همان پاداش (مجاهد و شهید) را مو به مو، به او مرحمت فرما (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۸۵).

پس او را سنگ به سنگ و مانند به مانند برابر پاداش آن مسلمان جنگجو و مرزدار پاداش ده (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۳۰۱).

در ترجمه اصطلاح علامت‌گذاری شده، انصاریان، از راهبرد انتقال استفاده کرده و دقیقاً همان کلمه را به فارسی انتقال داده است. آیتی از معادل کارکردی استفاده کرده؛ معادلی که همان کارکرد اصطلاح زبان مبدأ را در زبان مقصد دارد و بلاغی، فولادوند و فیض الاسلام، از معادل فرهنگی بهره برده‌اند؛ بدین صورت که معادل مو به مو و سنگ به سنگ در زبان مقصد معادل فرهنگی برای اصطلاح نامبرده است. «معادل فرهنگی زمانی است که یک واژه-ی فرهنگی از زبان مبدأ به واژه‌ی فرهنگی دیگری از زبان مقصد ترجمه می‌شود» (نیومارک، ۱۳۸۶: ۱۰۶-۱۰۵).

در بررسی‌ای که صورت گرفت، میزان استفاده مترجمان از فرآیند انتقال بدین صورت

است:

آیتی: تسبیح، تقدیس، اصحاب صور، رفیع، امین، مطاع، مقرب، سهو، خزائن، بیت المعمور (دعای ۳)؛ ایمان، یقین، اقرباء، افضال، شهادت، خذلان، منع، إعراض (دعای ۲۰)؛ حوزه، جمع، مکر، مساکن، أقطار، مجاهد، جرأت، أطراف، غازی، عابدان (دعای ۲۷)؛ واصفان، تفریط، عصیان، اخلاص، طمع، عفو، مطیع، کنف، استغفار، شفیع (دعای ۳۱)؛ لهو، سطوت، هزیمت، مکاید، عافیت، انعام، حجاب، مسکنت، فضل، تفضل، مقتدر، حمد، عروج، تقرب، رفیع، حدود، قبح (دعای ۴۹)؛ (جمعاً ۵۵ واژه).

انصاریان: تسبیح، رفیع، امین، مقرب، تعظیم، تقدیس، البیت المعمور (دعای ۳)؛ ایمان، یقین، اعتراف، طلب، منع (دعای ۲۰)؛ عطایا، جمع، مساکن، صُلب، قلوب، رجال، مجاهد، سنت، جرأت، کرامت (دعای ۲۷)؛ واصفان، عصیان، اخلاص، طمع، عفو، مطیع، سینات، وزر، شفیع، استغفار (دعای ۳۱)؛ نصرت، توحید، حدت، عافیت، انعام، ارتکاب، فضل، تقصیر، دوام توفیق (دعای ۴۹)؛ (جمعاً ۴۲ واژه).

بلاغی: حمله عرش، تسبیح، تقدیس، صاحب صور، جاه، امین، مقرب، سهو، تعظیم، کبریا، زجر، کیل، بیت المعمور (دعای ۳)؛ ایمان، یقین، کبر، مکر، تکذیب، تفضل، صالحان، شهادت، ثنا، فضل، سداد، رشاد، تلف (دعای ۲۰)؛ نصب العین، مسکن، أصلاب، أقطار، مُجاهد، حسن نیت، جُبْن، جرأت، سنت، کرامت، صالحان، مجاهدین (دعای ۲۷)؛ عابدان، اخلاص، طمع، منکر، عافیت، شفیع، استغفار (دعای ۳۱)؛ هلاکت، توحید، عجز، مسکنه، احسان، ارتکاب، محرمات، حدود، رفیع، دوام توفیق (دعای ۴۹)؛ (جمعاً ۵۵ واژه).

فولادوند: تسبیح، تقدیس، رفیع، مقرب، سهو، کبریا، خزائن، بیت المعمور، کریم (دعای ۳)؛ ایمان، یقین، اصلاح ذات البین، شهادت (دعای ۲۰)؛ صُلب، مُجاهد، سنّت، تحیات (دعای ۲۷)؛ نعت، تفریط، منکر، کنف (دعای ۳۱)؛ سطوت، هلاکت، توحید،

حراست، عافیت، جبر، مسکنت، انعام، وسیلت، دوام توفیق (دعای ۴۹)؛ (۳۱ واژه).
فیض الاسلام: تسبیح، تقدیس، تقصیر، صاحب صور، امین، مقرب، زجر، بیت المعمور
 (دعای ۳)؛ ایمان، کبر، تکذیب، غش (دعای ۲۰)؛ مکر (دعای ۲۷)؛ عافیت، انعام، احسان،
 محرمات، حدودف وصف، منتهی، طمع، عفو، عافیت، شفیع (دعای ۳۱)؛ انعام، حدود،
 ترضیع، عقاب (دعای ۴۹)؛ (۲۸ واژه).

جدول ۱- میزان استفاده مترجمان از انتقال

ردیف	مترجم	تعداد واژگان انتقال یافته
۱	آیتی	۵۵
۲	انصاریان	۴۲
۳	بلاغی	۵۵
۴	فولادوند	۳۱
۵	فیض الاسلام	۲۸

جدول فوق نشان می‌دهد آیتی و بلاغی، بیش‌ترین میزان انتقال را در ترجمه داشته‌اند و فیض الاسلام، کم‌ترین استفاده را از فرآیند انتقال داشته است.

۲-۱-۱- معادل فارسی برخی واژگان انتقال یافته

واژگانی که در ترجمه صحیفه سجادیه، به زبان مقصد انتقال داده شده، واژه‌های ذیل هستند که معادل فارسی برای آنها ارائه شده است. برخی از این معادل‌ها، در ترجمه مترجمان دیگر از جمله فیض الاسلام آمده و برخی هم از جانب نویسنده، و با کند و کاو در فرهنگ‌های لغت ارائه شده است.

تسبیح: خدا را به پاکی یاد کردن؛ **تقدیس:** پاک شمردن؛ **حمله عرش:** نگهداران عرش؛
صاحب صور: صاحب شیپور؛ **جاه:** جایگاه؛ **امین:** امانت‌دار؛ **مقرب:** نزدیک شده؛ **سهو:**

بررسی تقابلی فرآیند انتقال و بومی سازی در ترجمه‌های صحیفه... بر اساس الگوی نیومارک - مریم بخشی

فراموشی، اشتباه، لغزش؛ تعظیم: بزرگداشت؛ کبریا: بزرگی؛ زجر: فریاد؛ کیل: اندازه، پیمان؛ بیت المعمور: سرای آباد؛ یقین: باور؛ کبر: خودبزرگ بینی؛ مکر: فریب؛ تکذیب: دروغ دانستن؛ تفضُّل: لطف؛ صالحان: نیکان؛ شهادت: گواهی؛ ثنا: ستایش؛ فضل: بخشش؛ سداد: درستکاری؛ رشاد: راهنمایی؛ تلف: نابودی؛ نصب العین: برابر چشمان؛ مسکن: جا؛ أصلاب: پشت‌ها؛ أقطار: اطراف؛ مُجاهد: جنگجو؛ جُبِن: ترس؛ جرأت: دلیری، سنت: روش؛ کرامت: ارجمندی؛ عابدان: پرستندگان؛ اخلاص: پاکی؛ طمع: آز، منکر: رد کننده، پوچ‌گرا؛ عافیت: سلامتی؛ استغفار: درخواست آمرزش؛ هلاکت: نابودی؛ توحید: یگانگی؛ عجز: ناتوانی؛ مَسکنة: بی‌چیزی؛ کنف: پناهگاه؛ احسان: نیکی؛ ارتکاب: گناه کردن، انجام دادن؛ محرمات: کارهای حرام؛ حدود: چهارچوب؛ رفیع: بلند؛ دوام توفیق: همیشگی توفیق، غازی: جنگجو؛ تفریط: کوتاهی؛ سطوت: حشمت؛ مکاید: حيله‌ها؛ حمد: ستایش؛ عروج: بالا رفتن؛ قُبْح: زشتی؛ وزر: بار سنگین؛ خزائن: گنجینه‌ها؛ حراست: نگهداری؛ وسيلت: افزار؛ جبر: زور؛ غش: ناخالصی.

۲-۲- بومی‌سازی

«بومی‌سازی» یا «طبیعی کردن» فرایندی است در ادامه‌ی فرایند «انتقال» که واژه‌ی زبان مبدأ را ابتدا با تلفظ طبیعی و سپس با شکل طبیعی واژگان زبان مقصد مطابقت می‌دهد (نیومارک، ۱۳۸۶: ۱۰۵). به عبارت دیگر این فرایند، تطابق واژه‌ی انتقال یافته با ساختارهای آواشناختی و صرفی زبان مقصد است.

در ترجمه عربی به فارسی، این فرآیند با نام فارسی‌سازی شناخته می‌شود؛ به این معنا که برای انتقال یک واژه از زبان عربی، به زبان فارسی، از راهکارهایی استفاده می‌شود تا آن واژه عربی، شکل و ساختار فارسی داشته باشد. برای توضیح بیشتر این مورد می‌توانیم تبدیل حرف «چ» به «تش» یا تبدیل «گ» به «ج/غ» را در انتقال اسامی خاص به زبان عربی، ذکر کنیم. بومی‌سازی نیز هم‌چون انتقال، فرآیندی است که صرفاً هنگام نبود معادل دقیق، از آن

استفاده می‌شود و این‌طور نیست که ما هر واژه عربی را گرفته و نشانه فارسی بدان بیافزاییم که در این حالت، اتفاقاً آثار سوء آن از انتقال شدیدتر است؛ چرا که شکل خارجی واژه در فرایند انتقال محفوظ بوده و قابل شناسایی است. اما وقتی به همان واژه، نشانه فارسی بیافزاییم و به اصطلاح فارسی سازی کنیم، آن واژه را به زبان فارسی تزریق کرده‌ایم بدون آن‌که مخاطبان و خوانندگان متوجه خارجی بودن آن بشوند. در زیر نمونه‌هایی از بومی سازی را بررسی می‌کنیم.

«وَ خُزَّانِ الْمَطَرِ وَ زَوَاجِرِ السَّحَابِ» (دعای ۳).

و بر خزانه‌داران باران و حرکت‌دهندگان ابر (انصاریان، ۱۳۸۷: ۳۲).

درود بفرست بر خازنان باران و روان‌کنندگان ابرها (آیتی، ۱۳۷۵: ۴۱).

و بر خزانه‌داران باران و رانندگان ابر (بلاغی، ۱۳۸۰: ۴۵).

درود بر خازنان باران و رانندگان ابرها (فولادوند، ۱۳۷۹: ۴۵).

و بر خزانه‌داران باران و رانندگان ابر (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۵۴).

در مثال حاضر، فولادوند و آیتی از فرایند بومی سازی استفاده کرده‌اند؛ بدین صورت که واژه خُزَّان را که جمع خازن است با افزودن علامت جمع فارسی (ان) بومی کرده‌اند. البته هرچند این واژه شکل فارسی یافته، اما در فارسی استعمال نمی‌شود؛ بدین خاطر باید مترجمان دقت نمایند که تغییری که در شکل اصلی واژه ایجاد کرده و وارد زبان مقصد می‌کنند، آیا پسندیده و رایج است یا نه. بقیه مترجمان، با افزودن پسوند فارسی (دار)، به یکی از مشتقات این واژه (خزانه) از فرایند بومی سازی استفاده کرده‌اند. در حالی که معادل‌های دقیق این واژه عبارتند از: نگهبان، تحویل‌دار (فرهنگ دهخدا).

«تَفَحَّمْتُ أَوْدِيَةَ الْهَلَائِكِ» (دعای ۴۹).

خود را در وادی‌های هلاکت انداختم (انصاریان، ۱۳۸۷: ۲۹۲).

خود را در وادی‌های هلاکت درافکندم (آیتی، ۱۳۷۵: ۳۵۲).

من خویش را در وادی های هلاک درافکنده ام (بلاغی، ۱۳۸۰: ۳۵۵).

خود را در وادی های هلاکت در افکنده ام (فولادوند، ۱۳۷۹: ۳۵۰).

من خود را در دره های فساد و تباهی افکندم (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۳۷۱).

به طوری که ملاحظه می شود به جز فیض الاسلام که با دقت و مهارت، معادل فارسی «دره های فساد و تباهی» را آورده است، همه مترجمان در ترجمه «أودية الهلاك» از بومی سازی استفاده کرده و به صورت «وادی های هلاکت» ترجمه کرده اند؛ بدین صورت که واژه «أودية» را که جمع مکسر وادی است، تبدیل به شکل مفرد آن کرده و سپس علامت جمع «های» را بدان افزوده و تای گرد «هلاکت» را تبدیل به تای مبسوط کرده و به شکل «هلاکت» آورده و به این نوع معادل یابی بسنده کرده اند.

اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ خَصْلَةً تُعَابُ مِنِّي إِلَّا أَصْلَحْتُهَا وَلَا عَائِبَةً أُوْنَبُ بِهَا إِلَّا حَسَّنْتُهَا وَلَا أُكْرِمَةً فِيَّ نَاقِصَةً إِلَّا أَتَمَمْتُهَا (دعای ۲۰).

خدایا! خصلت قابل سرزنشی را در وجود من وامگذار، جز این که اصلاحش کنی و عیب قابل سرزنشی را در عرصه گاه حیاتم رها مکن، جز این که نیکویش گردانی؛ و کرامتی را در من ناقص مگذار، جز این که کاملش فرمایی (انصاریان، ۱۳۸۷: ۱۰۹).

ای خداوند، هر خصلت بد که در من است به صلاح آور و هر زشتی که با من است و موجب نکوهش من، به زیبایی بدل نمای و هر کرامت کمال نایافته که در من است کامل فرمای (آیتی، ۱۳۷۵: ۱۲۹).

خدایا هیچ خوبی را که بر من عیب شمرده شود باقی مگذار جز آن که آن را اصلاح کنی، و هیچ صفت نکوهیده ای را بجای منه مگر آن که آن را نکو سازی و هیچ خصلت کریمه ای ناقصی را بر جای مگذار، جز آن که آن را کامل کنی (بلاغی، ۱۳۸۰: ۱۳۰).

ای خدا! هر خصلت زشت که در من است اصلاح فرما و هر پلیدی که با من است و مایه نکوهش من می گردد، آن را به زیبایی مبدل فرمای و اگر کرامتی کمال نایافته در من

مانده، آن را کامل فرمای! (فولادوند، ۱۳۷۹: ۱۴۰).

بار خدایا وامگذار مرا در خوئی که (مردم آن را) زشت می‌دانند جز آن که آن را اصلاح نمائی (توفیقم دهی که به زشتی آن پی برده مرتکب نشوم) و نه خوی زشتی که به وسیله‌ی آن سرزنش شوم جز آن که آن را نیکو گردانی (توفیقم دهی که از کیفر آن آگاه شده خود را برهانم) و نه خوی پسندیده‌ای که در من ناتمام باشد جز آن که آن را کامل کنی (توفیقم دهی آن را دنبال کرده به منتهای آن برسم) (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۱۳۱).

در فراز ۶ از دعای ۲۰ صحیفه سجادیه، چهار واژه وجود دارد که مترجمان در ترجمه آن‌ها، راهکار بومی‌سازی را انتخاب کرده‌اند؛ کلمه اول «خصلة» است که انصاریان، آیتی و فولادوند، از طریق تبدیل تایی گرد به تایی مبسوط، آن را بومی‌سازی کرده‌اند؛ به طوری که کمتر کسی معادل فارسی آن را که خوی است، استفاده می‌کند. بلاغی و فیض الاسلام معادل دقیق فارسی آن را (خوی) انتخاب کرده و به متن ترجمه، رنگ و بوی فارسی داده‌اند. واژه بعدی، واژه «أصلحت» است که همه مترجمان مصدر آن واژه را که در فارسی رایج شده، به کار برده‌اند؛ گویی که مصدر آن فعل در زبان فارسی آشنا تر بوده و برای فارسی زبانان جاافتاده؛ به طوری که نتوانسته‌اند برای آن معادل دقیق فارسی بیابند. برای بافت ترجمه حاضر، معادل-های پیراستن و بهبود بخشیدن پیشنهاد می‌شود.

واژه بعدی، «عائبة» هست که انصاریان، یکی از مشتقات آن یعنی «عیب» را به عنوان معادل به کار گرفته است. بقیه مترجمان با دقت نظری که کرده‌اند، برابری فارسی انتخاب کرده‌اند.

چهارمین واژه‌ای که مترجمان در برابرش کوتاه آمده و به معادل بومی‌سازی شده آن اکتفا کرده‌اند، «أکرومة» است. این مترجمان - مثل اغلب مواقع که ناتوان از آوردن معادل شده و با آوردن یکی از مشتقات آن، آن را بومی‌سازی کرده‌اند- به معادل «کرامت و کریمه» بسنده کرده‌اند. در این میان فیض الاسلام تنها مترجمی است که تلاش در یافتن معادل‌یابی داشته و

«خوی پسندیده» را برای آن انتخاب کرده است.

۲-۱- واژگان بومی سازی شده صحیفه سجادیه توسط مترجمان

هر کدام از مترجمان، تعدادی از واژگان عربی صحیفه سجادیه را به صورت بومی سازی ترجمه کرده اند که این واژگان (در دعاهای مورد بررسی) در ذیل آمده؛ واژه اول، واژه متن اصلی و واژه دوم، شکل ترجمه و بومی سازی شده آن است.

انصاریان: حملة: حاملان، الحجب، حجابها، غفلات: غفلت‌ها، حُمّال: حاملان، السّفرة: سفیران، الحفظة: حافظان، الخزنة: خازنان (دعای ۳)؛ خصلة: خصلت، المودة: مودت، غیر المستحق: غیر مستحق، البدع: بدعت، هالكة: در معرض هلاکت، صدق الهدایة: صدق هدایت، شرار: أشرار، المهلة: مهلت (دعای ۲۰)؛ یجهلون: جاهلند، الخداعة: خدعه‌گر، عقم: عقیم ساز، أصلاب: صلب (دعای ۲۷)؛ عابدین: عابدان، متدلّلا: ذلیلانه، ینکر: منکر می‌شود، شرطت: شرط کردی، ضمان: ضمانت، کافیه: کفایت کننده، الرقة: رقت (دعای ۳۱)؛ اودية الهلاك: وادی‌های هلاکت، حُرّمات: محرّمات، المحمدية الرفیعة: رفیع محمدی، عقاب: عقوبت (دعای ۴۹).

آیتی: حملة: حاملان، الحجب: حجاب‌ها، رسالت: رسالت‌ها، الغفلات: غفلت‌ها، ملائكة: ملائکه، موکلین: موکلان، السّفرة: سفیران، الخزنة: خازنان (دعای ۳)؛ معالي الأخلاق، اخلاق متعالی، خصلة: خصلت، المودة: مودت، صالحین: صالحان، البدع: بدعت، استحقّ: مستحق، الطريقة: طریقت، حزنّت: محزون شوم، استغاثة: استغاثه، تشابهت: مشتبه شود، شرار: شریر، اُبتلی: مبتلی گردم (دعای ۲۰)؛ حوزة: حوزه، نصر: نصرت، ملائکه، متّع: متمتع ساز، حسن النیة: حسن نیت، سیر: سیرت‌ها، النصرة: نصرت، صافّ: مصاف در پیوند (دعای ۲۷)؛ واصفین: واصفان، استغاث: استغاثه می‌کند، استر: مستور دار (دعای ۳۱)؛ سطوات: سطوت، اودية الهلاك: وادی‌های هلاکت، عداوة: عداوت، تبارکت و تعالیّت: مبارک و متعالی، مُستغیثا: استغاثه کردم، انتصار: نصرت، ظنّ حسن: حسن

ظنّ، مسکنة: مسکنت، المحمدية الرفیعة: رفیع محمدی، اعرجُ: عروج کنم (دعای ۴۹).
بلاغی: حملة: حملة، غفلات: غفلت‌ها، مؤتمن: امناء، الموکّل: وکیل، خَزنة: خازنان
(دعای ۳)؛ أفضل: فاضل‌ترین، معالی الأخلاق: اخلاق عالیّه، فخر، تفاخر، لا ترفعنّی: ترفیع
مدّه، طریقه حق: طریقت حقّی، يستحکم: مستحکم گردد، المودة: مودت، أقربین: اقرباء،
النصرة: نصرت، خاصم: مخاصمه کند، ارشد: ارشاد کند، أكافی: مکافات نمایم، البدع:
بدعت، المسکنة: مسکنت، تفضّل: تفضل فرمای، استغاثه: استغاثت، تناقضت: متناقض
گردد، شرار: اشرار، ابتلی: مبتلا شوم، مهلة: مهلت، بّيه: متنبه کن (دعای ۲۰)؛ عدّة: عدّه،
حوزة: حوزّه، ألف: الفت بخش، کفایة: کفایت، نصر: نصرت، مساکن: مسکن‌ها، عقم: عقیم
ساز، حسن النية: حسن نیت، أعان: اعانت نماید (دعای ۲۷)؛ واصفین: واصفان، متذلل: با
تذلل، استغاث، استغاثه، ضمان: ضمانت، الرقة: رقت (دعای ۳۱)؛ اودیة: وادی‌ها، عقوبات:
عقوبت‌ها، عداوة: عداوت، حدّ: حدّت، لجا: ملتجی شد، مسکنة: مسکنت، سُنت: از تو
مسئلت شده، حرّات: محرّمات، قابل: مقابله کرد، المحمدية الرفیعة: رفیع محمد، عقاب:
عقوبت (دعای ۴۹).

فولادوند: حملة: حاملان، حُمّال: حاملان، مؤتمنین: امناء، الکاتبین: کاتب، الخزنة:
خازنان (دعای ۳)؛ خصلة: خصلت، اصلاح ذات البین، غیر المستحق، مسکنة: مسکنت،
اشتقتُ: مشتاقانه، تفضّل: تفضل فرما، هالکة: در معرض هلاکت، اشتبهت: مشتبه شود،
شرار: اشرار (دعای ۲۰)؛ حومة: حومه، امنع: ممانعت کن، أصلاب: صلب‌ها، السیر:
سیرت‌ها (دعای ۲۷)؛ واصفان: وصف‌گران، الأعود: معاودت نکنم، خطرات قلبی: خطرات
قلبی، الرقة: رقت (دعای ۳۱)؛ اودیة الهلاک: وادی‌های هلاکت، المضیّع: ضایع کرده،
مسکنة: مسکنت، حرّات: محرّمات، لا یضیق: دچار مضیقه نمی‌کند (دعای ۴۹).

فیض الاسلام: حجب: حجاب‌ها، السفارة: سفراء (دعای ۳)؛ الثقة: وثوق، خاصم:
مخاصمه کند، أكافی: مکافات نمایم، غیر المستحق: غیر مستحق، أهل البدع: بدعت‌گزاران،

بررسی تقابلی فرآیند انتقال و بومی سازی در ترجمه‌های صحیفه... بر اساس الگوی نیومارک - مریم بخشی

المخترع: اختراع شده، اضطرت: اضطرار، المهلة: مهلت (دعای ۲۰)؛ حسن النية: حسن نیت، حُکم: حکم کردن (دعای ۲۷)؛ واصفین: وصف کنندگان، مخالفة: مخالفت، استغاث: استغاثه خواسته، ضمان: ضمانت، الرقة: رقت (دعای ۳۱)؛ لا تُسأل: مسؤل نمی‌شوی، حرمت: محرمات (دعای ۴۹).

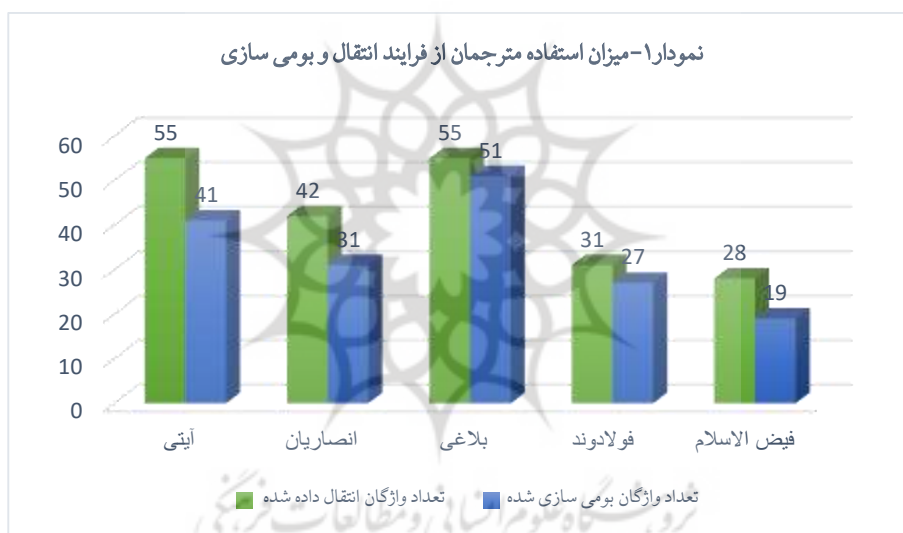
جدول ۲- میزان استفاده مترجمان از بومی سازی

ردیف	مترجم	تعداد واژگان بومی سازی شده
۱	آیتی	۴۱
۲	انصاریان	۳۱
۳	بلاغی	۵۱
۴	فولادوند	۲۷
۵	فیض الاسلام	۱۹

با توجه به جدول فوق، بیش‌ترین فرآیند بومی سازی در ترجمه بلاغی و سپس آیتی دیده می‌شود و کم‌ترین بومی سازی در ترجمه فیض الاسلام مشاهده می‌شود. نکته مهم و اساسی در مورد بومی سازی، این است که بومی سازی، صرفاً یک راهکار است و زمانی استفاده می‌شود که معادل دقیقی در فارسی وجود نداشته باشد و استفاده از آن در هر موقعیتی که مترجم اراده کند، خطای محض بوده و به زبان مقصد آسیب می‌رساند و از این طریق واژه‌های خارجی در پوشش زبان داخلی، وارد زبان مقصد شده و حیات همیشگی در این زبان خواهند داشت. اغلب بومی سازی شده‌های ترجمه صحیفه سجادیه از نوع غیر لازم و دارای معادل فارسی هستند.

ردیف	مترجم	تعداد واژگان انتقال یافته	تعداد واژگان بومی سازی شده

۱	آیتی	۵۵	۴۱
۲	انصاریان	۴۲	۳۱
۳	بلاغی	۵۵	۵۱
۴	فولادوند	۳۱	۲۷
۵	فیض الاسلام	۲۸	۱۹



با توجه به نتیجه بررسی که در نمودار دیده می‌شود، فیض الاسلام و فولادوند به ترتیب کم‌ترین استفاده را از این دو راهبرد داشته‌اند و بلاغی و آیتی بیش‌ترین استفاده را.

۳- انواع راهبردهای بومی سازی مترجمان در ترجمه صحیفه سجادیه

راهبردهای گوناگونی برای بومی کردن واژه خارجی وجود دارد که مترجمان به فراخور موقعیت و با توجه به واژه مورد نظر و هم‌چنین بر اساس سلیقه شخصی، یکی از این راهبردها را انتخاب می‌کنند. با بررسی‌ای که از واژه‌های بومی‌سازی شده‌ی صحیفه سجادیه صورت گرفت،

بررسی تقابلی فرآیند انتقال و بومی سازی در ترجمه‌های صحیفه... بر اساس الگوی نیومارک - مریم بخشی

راهبردهای زیر، در ترجمه این کتاب شریف، مورد استفاده مترجمان قرار گرفته است.

۱. تبدیل تاء گرد به تاء مبسوط: مثل مودة: مودت، طريقة: طریقت، النصرة: نصرت، عشرة: عشرت. الرقة: رقت.

۲. افزودن علامت جمع فارسی «ان» و «ها» به واژه عربی: عبّاد: عابدان، خزّان: خازنان، حملة: حاملان، حجب: حجاب‌ها، اودیة: وادی‌ها، عقوبات: عقوبت‌ها.

۳. استفاده از دیگر مشتقات واژه عربی: تخاصم: مخاصمه کند، استغاث: استغاثه خواسته، لا ترفعی: ترفیع مده، أكافی: مکافات نمایم، حاسد: حسود.

۴. جابجا کردن موصوف و صفت: ظنّ حسن: حسن ظن، صدق الهدایة: هدایت صادق، المحمّدية الرفیعة: مقام رفیع محمد.

۵. افزودن پسوند فارسی به واژه عربی: الخدّاعة: خدعه‌گر، ذلیلا: ذلیلانه.

۶. تبدیل شکل جمع واژه به مفرد: أطعمة: طعام، الکاتبین: الکاتب، البدع: بدعت.

۷. استفاده از شکل دیگر جمع واژه: السفرة: السفراء، شرار: أشرار.

۸. حذف نشانه‌های عربی از ابتدای واژه از جمله: «ال لام»، «تثوین»: الطلب: طلب، مالک: مالک، صاحب الصور: صاحب صور، أوقات الغفلة: اوقات غفلت، صدق الهدایة: صدق هدایت.

۹. تبدیل «تای گرد» به «ه» فارسی: حوزة: حوزه، استغاثة: استغاثه، أدلة: ادله.

۱۰. ساخت فعل ترکیبی فارسی با استفاده از ریشه فعل عربی: تفضّل: تفضل فرما، عقم: عقیم ساز، ترفع: ترفیع بده.

شایان ذکر است مواردی که در اینجا به عنوان راهبرد ذکر شده، پس از بررسی کلمات بومی سازی شده توسط مترجمان، نتیجه‌گیری شده و بیان انواع این راهبردها، استنتاج و یافته نویسنده مقاله از بررسی ترجمه‌هاست.

۴- نتیجه‌گیری

انتقال و بومی‌سازی که از راهکارهای نیومارک برای ترجمه هستند، زمانی می‌توانند مفید باشند که معادل دقیقی در زبان مقصد نداشته باشیم و از طرفی، هنگام ضرورت از آن استفاده کنیم. استفاده افراطی از این دو فرآیند، باعث آسیب به زبان مقصد شده و گاهی هم درک معنا را برای مخاطبان زبان مقصد دشوار می‌کنند.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، از بین مترجمان مورد بررسی، آیتی و بلاغی، بیش‌ترین میزان انتقال را در ترجمه داشته‌اند و فیض الاسلام، کم‌ترین استفاده را از فرآیند انتقال داشته است. بیش‌ترین فرآیند بومی‌سازی در ترجمه بلاغی و سپس آیتی دیده می‌شود و کم‌ترین در ترجمه فیض الاسلام مشاهده می‌شود. نتیجه این دو بررسی هم نشان‌گر آن است که آیتی و بلاغی بیشترین میزان انتقال و بومی‌سازی را به کار برده‌اند و فیض الاسلام کم‌ترین میزان انتقال و بومی‌سازی و از این جهت ترجمه فیض الاسلام، ترجمه‌ای شایسته و درخور توجه است.

انواع راهبردهای بومی‌سازی که مترجمان در ترجمه صحیفه سجادیه به کار بسته‌اند عبارتند از:

۱. تبدیل تاء گرد به تاء مبسوط؛ واژگان عربی که به تاء گرد ختم شده‌اند، در هنگام بومی‌سازی و انتقال به زبان فارسی، تبدیل به تاء مبسوط که در فارسی رواج دارد، شده‌اند.
۲. افزودن علامت جمع فارسی «ان» و «ها» به واژه عربی؛ علامت جمع عربی «ون و ین» هست که مترجمان برای بومی‌سازی واژه عربی، علامت جمع عربی آن را حذف کرده و علامت جمع فارسی «ان» و «ها» بدان افزوده‌اند.
۳. استفاده از دیگر مشتقات واژه عربی؛ یعنی به جای انتقال آن واژه به زبان فارسی و یا ترجمه آن، از دیگر اشتقاق‌های آن که در فارسی رواج بیشتری دارد، استفاده کرده‌اند.

بررسی تقابلی فرآیند انتقال و بومی سازی در ترجمه‌های صحیفه... بر اساس الگوی نیومارک - مریم بخشی

۴. جایجا کردن موصوف و صفت.
۵. افزودن پسوند فارسی به واژه عربی.
۶. تبدیل شکل جمع واژه به مفرد.
۷. استفاده از شکل دیگر جمع واژه.
۸. حذف نشانه‌های عربی از ابتدای واژه از جمله: «ال لام».
۹. تبدیل «تای گرد» به «ه» فارسی.
۱۰. ساخت فعل ترکیبی فارسی با استفاده از ریشه فعل عربی؛ بدین صورت که مصدر همان فعل عربی را گرفته و بدان فعل کمکی فارسی افزوده‌اند.

منابع

۱. ابن شهر آشوب، عالم العلماء في فهرست كتب الشيعة و أسماء المصنفين قديما و حديثا، منشورات المطبعة الحيدرية.
۲. اسلامی، همایون و محمدرضا فارسین، بررسی کارآمدی فنون هفتگانه سبک‌شناسی تطبیقی در چارچوب ترجمه ادبی (مطالعه موردی: خانواده تیبو)، نقد زبان و ادبیات خارجی، دوره ۱۵، شماره ۲۰ (۱۳۹۷)، ص ۴۹-۳۳، (۱۳۹۷ش).
۳. باقریان، احمد. ترجمه‌های صحیفه سجادیه. مجله فرهنگ کوثر، شماره ۳۲، آبان. ص ۷۰، (۱۳۷۸ش).
۴. خزاعی فرید، علی. «نقد ترجمه در ایران، روش‌ها و آسیب‌ها». نامه فرهنگستان، دوره چهاردهم، شماره ۳ (بهار). صص ۹۳-۷۱، (۱۳۹۴ش).
۵. خلجی، محمدتقی، اسرار خاموشان (شرح صحیفه سجادیه)، قم: پرتو خورشید، (۱۳۸۳ش)
۶. حسینی معصوم، سید محمد، هایده کمیلی دوست؛ بررسی شیوه‌های معادل‌یابی واژگانی در ترجمه متون تبلیغاتی و تجاری از انگلیسی به فارسی، مجله مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، شماره دوم، (۱۳۸۹ش).
۷. رحیمی خویگانی، محمد. ترجمه عربی مقوله‌های فرهنگی داستان فارسی شکر است از

- محمدعلی جمالزاده بر اساس نظریه نیومارک. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۷، شماره ۱۷، پاییز و زمستان، (۱۳۹۶ش)
۸. سید جلالی، بدری السادات و آرزیتا عباسی، «بازنمایی وام واژه‌ها در ترجمه متون ادبی: بررسی موردی رمان عطر سنبل، عطر کاج»، پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۴۴-۲۳، (۱۳۸۹ش).
۹. صفوی، کوروش؛ واژه‌های قرصی در زبان فارسی؛ نامه فرهنگ، ش ۱۹، صص ۹۷-۱۱۱، (۱۳۷۴ش)
۱۰. شقاقی، ویدا، مبانی صرف. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، (۱۳۸۷ش)
۱۱. علی بن الحسین (ع)، الصحیفة السجادیة، قم: دفتر نشر الهادی، (۱۳۷۶ش)
۱۲. علی بن حسین (ع)، صحیفة سجادیة. ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، تهران: سروش، (۱۳۷۵ش).
۱۳. علی بن حسین (ع)، صحیفة سجادیة. ترجمه‌ی حسین انصاریان. ویرایش حسین استادولی. چاپ هشتم. تهران: پیام آزادی، (۱۳۸۰ش).
۱۴. علی بن حسین (ع)، صحیفة سجادیة (ترجمه) بلاغی، صدرالدین، تهران: دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۸۰ش)
۱۵. علی بن حسین (ع)، پیشوای چهره بر خاک ساینندگان: "صحیفة سجادیة"، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، سوره مهر، (۱۳۷۹ش)
۱۶. علی بن حسین (ع)، صحیفة سجادیة. ترجمه و شرح علی تقی فیض الإسلام اصفهانی. محقق/ مصحح: عبدالرحیم افشاری زنجانی. تهران: فقیه، (۱۳۷۶ش)
۱۷. قرشی، علی اکبر. المعجم المفهرس لالفاظ الصحیفة الکاملة، قم: مرکز مطبوعاتی دار التبلیغ اسلامی، (۱۳۴۳ق)
۱۸. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، اصول و ضوابط واژه‌گزینی: همراه با شرح و توضیحات. ویرایش سوم با تجدید نظر. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، (۱۳۸۸).
۱۹. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین. محقق/مصحح: محسن حسینی امینی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، (۱۴۰۹ق).
۲۰. لطفی پور ساعدی، کاظم، اصول و روش ترجمه (رشته مترجمی زبان انگلیسی). چاپ سوم.

بررسی تقابلی فرآیند انتقال و بومی سازی در ترجمه های صحیفه... بر اساس الگوی نیومارک - مریم بخشی

تهران: دانشگاه پیام نور، (۱۳۸۴ش).

۲۱. لطفی پور ساعدی، کاظم، *درآمدی به اصول و روش ترجمه*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، (۱۳۷۱ش).

۲۲. ناظمیان، رضا، *فن ترجمه (عربی-فارسی)*. ویراستار علمی: عبدالعلی آل بویه. تهران: دانشگاه پیام نور، (۱۳۸۶ش).

۲۳. نظری، علیرضا و اسدالله پورعراقی، زهره، *تداخل زبانی و دگرگونی معنایی وام‌واژه‌های عربی و جنبه‌های تاثیر آن بر ترجمه از عربی، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، سال پنجم پاییز وزمستان، شماره ۱۳، صص ۹۷-۱۱۹، (۱۳۹۴ش).

۲۴. نیومارک، بیتر، *الجامع فی الترجمة*. ترجمه و إعداد: حسن غزالی. بیروت: دار ومکتبة الهلال، (۲۰۰۶م).

۲۵. نیومارک، بیتر، *دوره آموزش فنون ترجمه*. ترجمه‌ی منصور فهیم و سعید سبزیان. چاپ دوم. تهران: رهنما، (۱۳۸۶ش).

۲۶. سایت اینترنتی (<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/4892/7933/103276>).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی